

نقش اجتماعی امام علی علیه السلام در گسترش اسلام در مکه (عصر نبوی)

فاطمه کریمی^۱

چکیده

این تحقیق در صدد مطالعه تاریخی و شناخت جایگاه و نقش اجتماعی امام علی علیه السلام در گسترش اسلام در مکه (عصر نبوی) است. عصری که تحول عظیمی در جامعه عرب ایجاد شد، به گونه‌ای که ملاک و معیار برتری تقوا قرار گرفت و مردم با گام‌های استوار اعتقادی و عملی توانستند قله‌های معنویت را طی کنند و به کمال برسند. امام علی علیه السلام در این عصر برای اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله به هدف خود برسند، در تمام عرصه‌ها حضوری فعال داشتند؛ مانند همراهی حضرت علی المبیت. بنابراین، حضرت علی علیه السلام از ابتدای بعثت در تمام عرصه‌ها همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است و نقش خود را برای گسترش اسلام به روش‌های مختلف انجام داده است.

کلیدواژه‌ها: اسلام، عصر نبوی، امام علی علیه السلام.

^۱. طلبه پایه پنجم، مدرسه علمیه حضرت فاطمه محدثه سلام الله علیها، اصفهان، زمستان ۱۳۹۹

مقدمه

این مقاله به اقدامات و گذشت‌های امیرالمؤمنین علیه السلام در همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله می‌پردازد. حضرت علی علیه السلام همواره یار و یاور پیامبر صلی الله علیه و سلم بودند. ایشان از همان ابتدا، جزء اولین ایمان آورندگان به پیامبر صلی الله علیه و سلم بودند و نقش و جایگاه شاخص و ویژه ایی در تبلیغ دین مبین اسلام داشتند. از جمله آن فداکاری‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. همراهی حضرت علی (علیه السلام) دوشادوش پیامبر در غار حراء ۲. یوم الانذار ۳. همراهی در تحریم اقتصادی و اجتماعی بنی‌هاشم (شعب ابی طالب) ۴. ليله المبيت و موارد دیگر. اهمیت این بررسی زمانی مشخص می‌شود که بدانیم امام علی علیه السلام جزء معدود کسانی است که به جایگاه عظیم دین اسلام واقف بودند و پیامبر صلی الله علیه و سلم را بهتر از هرکس دیگری می‌شناسند. ایشان خوب می‌دانستند که دین اسلام و پابرجایی این دین مبین، ارزش از جان گذشتگی را دارد. از همین رو در حساس‌ترین و بحرانی‌ترین لحظات در کنار پیامبر صلی الله علیه و سلم نقش خود را به خوبی ایفا می‌کنند. البته باید این نکته را نیز متذکر شد که ایشان با دیگر صحابی پیامبر صلی الله علیه و سلم قابل قیاس نیستند. زیرا از کودکی همراه پیامبر (ص) بودند و بنا به حدیث پیامبر(ص)، ایشان از چشمه علم پیامبر صلی الله علیه و سلم بهره مند شدند. ایشان همان کسی هستند که پیامبر صلی الله علیه و سلم در شأن ایشان حدیث منزلت و ثقلین را بیان فرمودند. امید است به وسیله این بررسی بتوان بهتر به اهمیت و نقش امام علی علیه السلام پی برد و به ایشان اقتدا و تمسک کرد. روش تحقیق حاضر، توصیفی تاریخی است. در زمینه تاریخ اسلام کتب زیادی تالیف شده که از آن جمله می‌توان به دو کتاب فروغ ابدیت و فروغ ولایت نوشته آیت الله جعفر سبحانی اشاره کرد. همچنین کتاب تاریخ تحلیلی اسلام تألیف استاد جعفر شهیدی در این زمینه است. کتاب علی از زبان علی تألیف استاد شهیدی، به بیان زندگانی و برهه‌های مختلف زندگی ایشان طبق بیانات خود ایشان می‌پردازد.

۱. حضرت علی علیه السلام دوشادوش پیامبر صلی الله علیه و آله در غار حرا

حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پیش از آن که به رسالت مبعوث شود، سالی یک ماه در غار حرا به عبادت می پرداخت و در این مدت اگر تهیدستی نزد وی می رفت، به او طعام می داد. وقتی که ماه به پایان می رسید و می خواست به خانه برگردد، ابتدا به مسجد الحرام می رفت و هفت بار یا هر قدر که خدا می خواست، خانه خدا را طواف می کرد و سپس به منزل خود باز می گشت. قرائن نشان می دهد که حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با عنایت شدیدی که نسبت به علی (علیه السلام) داشت، او را در آن یک ماه همراه خود به حرا می برد. علی علیه السلام فرمود: پیامبر هر سال در کوه حرا به عبادت می پرداخت و جز من کسی او را نمی دید. هنگامی که وحی بر آن حضرت نازل شد، صدای ناله ی شیطان را شنیدم، به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کردم این ناله چیست؟ فرمود: این ناله شیطان است و علت ناله اش این است که، او از اینکه در روی زمین اطاعت شود، ناامید شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود: آنچه را من می شنوم تو نیز می شنوی و آنچه را می بینم تو نیز می بینی، جز اینکه تو پیامبر نیستی بلکه، وزیر من و بر خیر و نیکی هستی.^۱

پاکی روح علی (علیه السلام) و تربیت های پی گیر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سبب شد که او در همان دوران کودکی با قلب حساس، دیده ی نافذ و گوش شنوا چیزهایی را ببیند و اصواتی را بشنود که برای مردم عادی دیدن و شنیدن آنها ممکن نیست. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه می نویسد: در کتب صحاح روایت شده است که وقتی جبرئیل برای نخستین بار بر پیامبر نازل گردید و او را به مقام رسالت مفتخر ساخت علی (علیه السلام) در کنار پیامبر بود از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند: حضرت علی (علیه السلام) پیش از رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) همراه آن حضرت نور نبوت را می دید و صدای فرشته را می شنید، پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به ایشان می فرمودند: اگر من خاتم پیغمبران نبودم تو شایستگی مقام نبوت را داشتی، ولی تو وصی و وارث من، سرور اوصیاء و پیشوای پرهیز کاران هستی.^۲ آهر انسانی کمترین اطلاعی از تاریخ اسلام داشته باشد به خوبی در می یابد که هیچ کسی مانند امیر المومنان علی (علیه السلام) با پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) همراه و همگام نبوده است ایشان که دوران کودکی را در دامن پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) سپری کردند و از خوی و بوی ایشان بهره فراوان بردند انچنان با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) همراهی کردند که بیش از همراهی فرزند با والدین و در غار حراء نیز قبل از بعثت ایشان را همراهی میکردند و هنگام بعثت اولین فرد و اولین مردی بود که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را همراهی نمودند و به ایشان ایمان آوردند. غار حرا محل عبادت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه (خطبه قاصعه)، ج ۱۳، ص ۲۰۸

۲ همان، ج ۳، ص ۲۰۸

بوده است و در همین مکان بر ایشان وحی نازل می شده است. به اعتقاد مسلمانان در همین غار بوده که بر محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) وحی نازل گردید و آیات آغازین سوره علق برای وی خوانده شد و از این رو اولین کسی که به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ایمان آورد و نماز خواند حضرت علی (علیه السلام) بود و در این بین پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) حضرت علی (علیه السلام) را با خود همراه می کرده است. این نشان از جایگاه ویژه و شخصیت والای آن حضرت پیش پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) دارد.

۲. علی علیه السلام در یوم الانذار

پیامبر اسلام به مدت ۳ سال از دعوت عمومی خودداری می ورزید. پس از سه سال فرشته‌ی وحی نازل شد و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دعوت همگانی خود را از طریق دعوت خویشان و بستگان آغاز نمود. در اوایل بعثت پیغمبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آیه «و انذر عشیرتک الاقربین»^۱ خویشاوندان نزدیک را انذار و اعلام خطر کن.

علت اینکه دعوت خویشان برای نقطه‌ی شروع دعوت همگانی انتخاب شد، این است که تا نزدیکان یک رهبر الهی و یا بشری به او ایمان نیاورند و از او پیروی نکنند هرگز دعوت او درباره‌ی بیگانگان مؤثر واقع نمی‌شود، زیرا نزدیکان همواره از اسرار و رازها و ملکات خوب و بد وی کاملاً واقف و مطلع هستند. از این رو ایمان آنان نشانه‌ی وارستگی مدعی رسالت به شمار می‌رود. چنان که اعراض و روی گردانی اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها نشانه دوری مدعی از خلوص، صفا و صدق در ادعا است.^۲ از این رو پیامبر به علی (علیه السلام) دستور داد که چهل و پنج نفر از شخصیت‌های بزرگ بنی هاشم را برای ضیافت ناهار دعوت کند و غذایی از گوشت همراه با شیر آماده سازد، مهمانان همگی در وقت معین به حضور پیامبر شتافتند و پس از صرف غذا، ابولهب عموی پیامبر با سخنان سبک خود مجلس را از آمادگی برای طرح سخن و تعقیب هدف انداخت و مجلس بدون اخذ نتیجه به پایان رسید. مهمانان پس از صرف غذا و شیر، خانه رسول خدا را ترک گفتند.^۳

پیامبر تصمیم گرفت که فردای آن روز ضیافت دیگری ترتیب دهد و همه آنان را جز ابولهب به خانه خود دعوت نماید. باز علی (علیه السلام) به دستور پیامبر غذا و شیر آماده نمود و از شخصیت‌های برجسته و شناخته شده بنی هاشم برای صرف ناهار و استماع سخنان پیامبر دعوت به عمل آورد.^۴ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از صرف غذا سخنان خود را چنین آغاز کرد: هیچ کس از مردم برای کسان خود چیزی بهتر از آنچه من برای شما آورده‌ام، نیاورده است. من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده‌ام. خدایم به من فرمان داده که شما را به توحید و یگانگی وی و رسالت خویش دعوت کنم. چه کسی از شما مرا در این راه کمک می‌کند تا برادر و وصی و نماینده من در میان

۱. طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۷

۲. سوره شعراء، آیه ۲۱۴

۳. همان

۴. همان

۵. همان

شما باشد؟ او این جمله را گفت و مقداری مکث نمود تا ببیند کدامیک از آنان به ندای او پاسخ مثبت می‌دهد. در این موقع سکوتی مطلق، آمیخته با بهت و تحیر بر مجلس حکومت می‌کرد و همگی سر به زیر افکنده و در فکر فرو رفته بودند. ناگهان علی (علیه السلام) که سن او در آن روز از ۱۵ سال تجاوز نمی‌کرد، سکوت را درهم شکست و برخاست و رو به پیامبر کرد و گفت: ای پیامبر خدا من تو را در این راه یاری می‌کنم. سپس دست خود را به سوی پیامبر دراز کرد تا دست او را به عنوان پیمان فداکاری بفشارد. در این موقع پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور داد که علی (علیه السلام) بنشیند. بار دیگر پیامبر گفتار خود را تکرار نمود. باز علی برخاست و آمادگی خود را اعلام کرد. این بار نیز پیامبر به وی دستور داد تا بنشیند. در مرتبه سوم نیز مانند دفعات پیشین کسی جز علی برخواست و تنها او بود که به پا خاست و پشتیبانی خود را از هدف مقدس پیامبر اعلام کرد. در این موقع پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دست خود را بر دست علی زد و جمله‌ی تاریخی خود را در مجلس بزرگان بنی هاشم درباره‌ی علی بیان نمود و گفت: هان ای خویشاوندان و بستگان من! علی برادر و وصی و خلیفه من در میان شماست.^۱ پس فرمان او را بشنوید و اطاعت کنید. حاضران برخاستند و در حالی که می‌خندیدند به حضرت ابو طالب می‌گفتند: حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) به تو دستور می‌دهد از پسرت پیروی کنی و مطیع او باشی.

بدین ترتیب نخستین وصی پیامبر اسلام به وسیله‌ی آخرین سفیر الهی در آغاز رسالت که هنوز جز عده ناچیزی به آیین وی نگرویده بودند، تعیین شد. از اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در یک روز نبوت خود و امامت علی علیه السلام را اعلام کرد و به بستگان خود هم گفت: مردم من پیامبر خدا هستم. همان روز نیز فرمود که علی وصی و جانشین من است، می‌توان مقام و موقعیت امامت را در اسلام به نحو روشن ارزیابی نمود و به این مطلب توجه کرد که این دو مقام از یکدیگر جدا نیستند و همواره امامت دنباله رسالت است.^۲ در اهمیت این بحث همین بس که اختلاف عقیده در این مساله یکی از اساسی‌ترین عوامل جدایی مذاهب مختلف اسلامی شمرده می‌شود. و از مهم‌ترین دلایلی است که در آغاز دوره بعثت اتفاق افتاده و آن نزول ایه انذار بوده است. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره امیر المومنین علی (علیه السلام) این چنین میفرماید: ان هذا اخی و وصی و خلیفتی فیکم فاسمعوا له و اطیعوه^۳. به درستی که این شخص برادر من و وصی و جانشین من در میان شماست پس سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید. و این یکی از احادیثی است که شیعیان برای اثبات ولایت بلا فصل امیر المومنین علی (علیه السلام) بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به آن استناد میکنند. از آنچه که ذکر شد روشن می‌گردد که رویداد یوم الانذار یک حکایت قطعی و مسلم تاریخی است.

۳. تحریم اقتصادی و اجتماعی بنی‌هاشم

۱. همان، ج ۲، ص ۲۲۰

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۲۲

۳. همان، ص ۲۱۷؛ ابن اثیر الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۶۳

علی (علیه السلام) پس از هجرت پیامبر، سه روز در مکه توقف کرد و مأموریت خود را انجام داد، آن‌گاه مادرش فاطمه بنت اسد، فاطمه دختر پیامبر، و فاطمه دختر زبیر بن عبدالمطلب را با دو نفر دیگر همراه آورد و در قبا به پیامبر اسلام پیوست.^۲ بهتر است بگوییم یکی از بهترین همگامی‌ها این بوده که امانت‌های موجود نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) را به مردم بر گرداند و برخی بانوان به جا مانده از جمله دختر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را به مدینه رساند.

۸. علی علیه السلام کاتب وحی

هنگامی که جبرئیل آیه‌های قرآن را فرود می‌آورد، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به آیات گوش فرا می‌داد و آن‌ها را حفظ می‌نمود. آن‌گاه در زمانی مناسب به میان مردم می‌رفت و آیات قرآن را برای مردم تلاوت می‌نمود. برخی از یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آیات قرآن را که از پیامبر می‌شنیدند می‌نوشتند، ایشان را کاتبان وحی می‌گفتند. سرآمد کاتبان وحی حضرت علی (علیه السلام) بود، او همه‌ی آیات را در مکه و مدینه از پیامبر شنید و نوشت و آیات قرآن را گردآوری نمود. حضرت علی (علیه السلام) علاوه بر آیات قرآن، سندهای سیاسی و تاریخی و نامه‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را نیز به دستور پیامبر می‌نوشت. حتی صلح نامه حدیبیه را حضرت علی (علیه السلام) نوشته است. از دیگر تلاش‌های حضرت علی (علیه السلام) در این زمینه نگاشتن و گردآوری سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به مناسبت‌های مختلف سخنانی شیوا و لبریز از اخلاق و حکمت را بیان می‌فرمود و حضرت علی (علیه السلام) که همواره در کنار پیامبر بود این سخنان را می‌نوشت و گردآوری می‌نمود و سرانجام شش جلد کتاب، از سخنان پیامبر را به یادگار گذاشت که نسل به نسل به فرزندان و پیشوایان پس از آن حضرت به ارث رسید و امامان (علیهم السلام) مطالب آن کتاب‌ها را برای مردم بازگو می‌نمودند.^۳ اینکه افرادی مثل امیر المومنین علی (علیه السلام) ابن ابی کعب و زید بن ثابت و دیگران کاتب وحی بوده‌اند را می‌توان از روایات و گزارش‌های تاریخی دریافت. اما همه آنها در یک رتبه و درجه نبوده‌اند برخی از ابتدا همراه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده‌اند و تمامی قرآن را نگاشته‌اند و برخی مقداری از قرآن را و بعضی در اواخر بعثت حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به جمع کاتبان پیوستند. همان‌گونه که امیر المومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

۱. ابن هشام، السیره النبویه، ص ۱۳۸؛ طبری، تاریخ طبری، ص ۲۴۹.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ص ۱۸۳؛ طبرسی، اعلام الوری، ص ۶۶؛ ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۴.

۳. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۰۹.

هیچ آیه ای از قرآن بر رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) نازل نشد مگر آنکه آن را بر من می خواند و املا می فرمود و من آن را با خط خود می نوشتم و تاویل و تفسیر، ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه آن را به من آموخت و از خدای تعالی خواست که فهم و حفظ آن را به من تعلیم دهد و هیچ آیه ای از کتاب خدا را فراموش نکردم.¹

¹ .شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج1، ص 284.

نتیجه گیری

امام علی علیه السلام یک انسان فراتاریخی است که بررسی ابعاد مختلف زندگی ایشان، ما را در راهیابی به صراط مستقیم یاری خواهد کرد. کسی جز امیرالمؤمنین علی علیه السلام شایستگی و لیاقت جانشینی پیامبر را ندارد. ایشان که در همه حال و در همه جا بدون حتی ذره ای درنگ گوش به فرمان پیامبر بوده و در هر حال اطاعت امر می کند و اگر جز این بود نمی شد که باور کرد و ایشان کسی است که پیامبر ایشان را وصی و جانشین و برادر خود می خواند. حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پیش از آن که به رسالت مبعوث شود، سالی یک ماه در غار حرا به عبادت می پرداخت و امام علی (ع) در این زمان پیامبر (ص) را می دیدند. حضرت علی (ع) همان کسی بودند که در روز دعوت خویشان، آمادگی خود را برای همراهی پیامبر (ص) در تمامی مراحل اعلام فرمودند. در مدت دو یا سه سالی که بنی هاشم در شعب بودند، گاهی ابوطالب اواخر شب پیغمبر را به جایی دیگر می برد و فرزندش، علی (علیه السلام) را بر جایش می خوابانید تا اگر از سوی کفار قریش خطری متوجه جان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شد، آن حضرت سالم بماند. در این مدت علی (علیه السلام) با تمام وجود به استقبال خطر می رفت. در سفر تبلیغی پیامبر (ص) به طایف ایشان از همراهان پیامبر (ص) بودند. اقدام مهم دیگر ایشان در شب ليله المبیت بود. در شب اول ربیع الاول، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

برای آنکه مشرکان از هجرت او آگاه نشوند، به علی (علیه السلام) فرمود: مشرکان می خواهند امشب مرا به قتل برسانند. آیا تو در بستر من می خوابی تا من به غار ثور بروم؟ امام علی (علیه السلام) گفت: در این صورت شما سالم می مانید؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: آری.

علی (علیه السلام) تبسمی کرد و سجده‌ی شکر به جای آورد. در جریان هجرت پیامبر (ص) به یثرب، علی (علیه السلام)، سه روز در مکه توقف کرد و مأموریت خود را انجام داد، سپس به همراه عده ایی دیگر در قبا به پیامبر اسلام پیوست. سرآمد کاتبان وحی حضرت علی (علیه السلام) بود، او همه‌ی آیات را در مکه و مدینه از پیامبر شنید و نوشت و آیات قرآن را گردآوری نمود. پس از بیان همه این رشادت ها و از خودگذشتگی ها باید گفت دین مبین اسلام برای حفظ موجودیت و گسترش، به وجود چنین وزیر و مشاور نیاز داشته و چنانچه طبق وصیت پیامبر اسلام، حق خلافت امام علی (ع) بعد از پیامبر غصب نمی شد، شاهد رشد و شکوفایی حقیقی اسلام در عرصه جهانی بودیم.

فهرست منابع:

- قرآن کریم ترجمه الهی قمشه ای.

الف) منابع فارسی

۱. جعفریان، رسول، آثار اسلامی مکه و مدینه، چاپ پنجم، تهران: نشر مشعر، ۱۳۷۹ ه. ش.
۲. بیهقی، دلائل النبوه، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۲.

ب) منابع عربی

۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۱۴، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، بی تا.
۴. ابن اسحاق یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، ج ۲، بی جا: شرکت انتشارات فرهنگی، چاپ یازدهم، ۱۳۸۹ ه. ش.
۵. ابن اثیر، علی بن محمد، الكامل فی التاریخ، ج ۲، بیروت: دارصادر، بی تا.
۶. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، لبنان: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۷. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، قم: المکتبه الحیدریه، ۱۳۹۰ ه. ش.
۸. ابن هشام، عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، ج ۱ و ۲، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
۹. بلاذری، احمد ابن یحیی، انساب الأشراف، تحقیق محمد حمیدالله، ج ۱، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
۱۰. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل، ج ۱، تهران: وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی، بی تا.
۱۱. زرکشی، ابو عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، بیروت: دار احیاء الکتب العربیه، ۱۹۵۷ م.
۱۲. سیوطی، عبدالرحمن، تاریخ الخلقاء، بیروت: دارصادر، بی تا.
۱۳. شوشتری، محمدتقی، بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، ج ۲، تهران: دار امیرکبیر للنشر، ۱۳۷۶ ه. ش.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری بأعلام الهدی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۳۷۶ ه. ش.
۱۵. طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، دارالکتب العلمیه ۱۴۰۰ ق.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ ه. ش.
۱۷. _____، الأمالی، قم: اندیشه هادی، ۱۳۸۸ ه. ش.
۱۸. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، ج ۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۹، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.

۲۱. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۱، قم: المؤتمر العالمی لالفیه
الشیخ المفید، ۱۳۷۲ ه.ش.
۲۲. _____، الاختصاص، بیروت: دارالمفید، ۱۳۷۲ ه.ش.
۲۳. نیشابوری، حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، بیروت: المکتبه
العصریه، ۱۴۲۰ ق.
۲۴. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، ج ۴، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۰
ه.ش.